



بسمه تعالی

جلسه: مادران دبستان ۱

استاد: دکتر مدرسی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم خدا را شاکر هستیم توفیقی دست داد در خدمت عزیزان بزرگوار انجام وظیفه می کنیم در مبحث تربیت رسانه ای ما که مدتی هست دیگه از کلید واژه سواد رسانه ای استفاده نمی کنیم به جهات مختلف که حالا توضیحاتش را شاید در اثنای بحث خدمت بزرگواران خواهم داد نکته ای برداشتن از این قطعه فیلم؟ چه کلید واژه هایی برای مان مهم بود؟ باید روش دقت نظر داشته باشیم محیط رسانه ای بخشی از محیط زیست بچه های ما است بخشی از محیط هویت یابی بچه های ما است این جمله ای را در واقع هم جناب دکتر مودن و هم مهندس غفاری تو همین کلیپ اشاره کردن تربیت با قرص و آمپول نمی شود یک کار زمان بر نفس گیر و با راندمان نسبتاً پایین و سخت لذا پدر و مادری که وارد عرصه تربیت شدن سالی میلیون ها تومان دارن خرج می کنند که فرزندشان در چینی مدرسه ای درس بخواند قاعدتاً دغدغه شان صرفاً فارسی ریاضی، علوم نبوده اون شکل گیری و هویت یکپارچه ی فرزندشان بوده حالا اصطلاحاً می گیم شیف پارادایم تربیتی یعنی طرحواره تربیتی تو زمانه ما تغییر کرده تربیت از عرصه مدرسه محور و از عرصه خانواده محور به دلیل غفلت مدرسه و خانواده شده تربیت رسانه محور یعنی اون انگاره های شناختی و گرایشی بچه ما داره ظاهراً در جای دیگری شکل می گیرد چرا این اتفاق افتاد؟ خب قسمت فیلم، فیلمه دیگه بازی، بازی دیگه بازی زندگی بچه منه فیلم یک بخشی از زندگی فرزند من هست امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه نامه ای دارد که خطاب به امام حسن مجتبی هست اونجا چند تا کلید واژه حیاتی به کار می برند که همچنان برای شخص بنده در واقع تابو شده تو ذهنم و نشان می دهد که محیط تربیتی به شدت دو تا جا اثر می گذارد طبق همین فرمایش چهارده قرن پیش امیرالمؤمنین دو جا کجاست؟ قلب و مغز میل تو گرایش تو و آنچه که بر فضای ذهن تو رفته که این دو تا تقریباً همه رو حیات ماست من اعمالم بر مبنای همین پردازش های ذهنی و اعمال قلبی بروز پیدا می کند و جالب هم این هست حضرت بین قلب و مغز کدام را مقدم داشتن به قلب را و گفتن قبل اینکه میل ات شکل بگیره ذائقه ات شکل بگیره من شروع کردم به تنظیم گری محیط تربیتی تو حالا ما الان در دورانی هستیم که یک محیط به شدت سخت مدیریت شونده و به شدت اثرگذار فرزندان ما دارن که بحث ما از همین جا در واقع شروع می شود لازم هست که قدری در مورد مفهوم رشد صحبت کنیم رشد یعنی چی؟ بچه های ما دنبال رشدشان هستن یعنی گذار از وضع موجود به وضع مطلوب ما به این می گیم رشد تربیتی که چندین جلسه بحث می طلبه یعنی مامان بابایی که می دانند وضع مطلوب فرزندشان چه باید باشد مامان بابایی که دقیقاً می دانند الان وضع موجود فرزندشان چی هست و



مامان بابایی که می‌دانند مسیرگذار وضع موجود به وضع مطلوب چه طوری باید طی بشود باید به نقشه داشته باشند فضای تربیتی تو خلاء رخ نمیده تو محیط‌های تربیتی رخ میدی در فضای خانواده فضای پدر و مادر یعنی چی نقش الگویی والدین حرف اول را می‌زند آقا بچه من خیلی با موبایل درگیره اولین جمله پدر و مادر چیه خودت چیکاره‌ای پس ببخشید بچه شما تو کوچی که موبایل دست نمی‌گیره که تو خونه دست می‌گیره خیلی با کامپیوتر داره بازی می‌کنه ببخشید براش تهیه کرده کی بهش یاد داد کی در معرضش قرار داد جلسه‌ای که با همدیگه گفتگو می‌کنیم بدون اینکه ناراحت بشید جلسات چیه محاکمه‌ای آمار خود تربیتی خود ماست چیکار داریم می‌کنیم کدوم سمت داریم می‌بریم در عصر حاکمیت رسانه محیط تغییر کرده بچه‌ها در گروه همسالان که قرار می‌گیرند تو خونه صحبت می‌کنه ماما بچه‌های مدرسه می‌گفتن فلانی براش اینو خریدن فلان چیز را دیده فلان بازی را انجام داده پس منم می‌خوام اگر قراره تربیت رسانه‌ای محقق بشه یک خانواده‌ای ترازوی شکل بگیره لاجرم از این هستیم هم اینا باید آموزش ببینند هم خود متریان باید آموزش ببینند و گرنه ماما می‌خواد تو خونه یکسری تغییراتی ایجاد بکنه این بچه زبان بسته نمی‌داند چرا این تغییرات داره اعمال میشه اولش چی میشه حالا دعوا وقتی‌ام داریم می‌گیم خانواده یعنی هم پدر هم مادر، نه ماما دقت نظر داشته باشه پدر کار خودشو انجام بده یعنی برسه از اون کانال خبری به اون کانال خبری برسه به حاجی و سید و مهندس حاج آقا، رئیس دوباره برای شما صحبت کردن نه عزیزم تشریف بردین منزل بعد از پانزده ساعت کلاً بچه شما را ۴،۵ ساعت می‌بینن رسانه تعطیل کنار اگر هم استفاده بشه زمان مشخص داره وقتی می‌گم خانواده یعنی پدر و مادر الان دوست آقا پسرای ما که تربیت الگوشان دریافت‌شان از پدر به شدت شدیدتر می‌تواند باشد هم در رده مثبت اش هم در رده منفی اش گروه بعدی فضای مدرسه هست مربیان بزرگوار اتمسفر خود مدرسه فضای تربیتی به مقدار داره برای‌شان شکل می‌گیره این سه تا محیط تا ده سال پیش هم سه تا محیط بود در یک دهه اخیر که فرزندان شما تو همین عصر رشد کردن یک محیط به شدت اثرگذار دیگری آمده است که برای این رشد تربیت هم فرصت داره هم تهدید داره تربیت رسانه را شما کامل می‌توانید مشاهده کنید تربیت یافته تراز رسانه‌ای معنی اش این نیست که از رسانه‌ها استفاده نکند اصلاً دیگه عنصر رسانه در سه تا سطح رسانه گنگ صحبت نمی‌کنید یعنی تو سطح سخت افزار تند، تند برای من مثال می‌زنید الان کامپیوتر، تبلت، لپ‌تاپ، تلفن همراه، کنسول بازی میشه سخت افزار وقتی می‌گم رسانه یعنی لایه نرم افزار و پلتفرم مثل ویندوز، فضای اینترنت و وب مثل نرم افزارهای کاربردی مثل نرم افزارهای آفیس، پاور پوینت، اکسل مثل نرم افزارهای تولیدات رسانه‌ای از ساده، ساده‌اش مثل پیت تا به ذره پیشرفته‌تر مثل فتوشاپ مثل سریتور مثل نرم افزارهای تولید محتواهای فیلمی مثل پاور داریکتور مثل کم تازیا اینا میشه لایه رسانه در لایه نرم افزار در لایه سوم مثلاً می‌گیم بازی‌های کامپیوتری، موسیقی، فیلم سینمایی، انیمیشن، کتاب، تبلیغات، خبر همه این‌ها عرصه رسانه پدر مادر با تربیت رسانه‌ای دانش آموخته و دانش آموز با تربیت رسانه‌ای خوب توانسته است استفاده اش را



تنظیم بکند به گونه‌ای که زمینه فرصت‌هایش برای رشد و تربیت فراهم زمینه صیانت از تهدیداش هم انجام شده است لذا از این به بعد کسی سوال بپرسه که ببخشید فلان انیمیشن را فرزند من ببیند یا نبیند جواب با توجه به کدوم کلید واژه داده می‌شود تربیت و رشد آیا دیدن یک انیمیشن برای بعدی از ابعاد فرزند حضرت عالی رشد و تربیت داره بله داره من برای بچه‌ام تبلت بخرم این تبلت خریدن شما باید رشد تربیت ایجاد بکنه دیگه خب چه طوری باید در اختیارش قرار بدم مالکیت باید بدهم یا تبلت خانواده هست؟ باید زمان داشته باشه نه زمانش چه مقدار باشه؟ باید مکان استفاده داشته باشه یا نه چقدر باشه اگر قراره محتوایی روش نصب بشه خودش نصب کنه یا با شما مشورت بکنه اگر قراره انیمیشنی دیده بشه تنهایی ببینه؟ با هم ببینیم؟ اگر قراره انیمیشن دالود بشه باید مراجعه کنیم به سامانه‌های هدایت مصرف که رده بندی سنی در آنجا آمده است و یه سری سوالاتی به والدین یاد داده که وقتی که بچه‌ات می‌خواست اینو ببینه قبلش باهاش در مورد انیمیشن این صحبت‌ها رو بکن حین دیدنش اگر حال و حوصله داشتی می‌گفت می‌شد این گفتگو را داشته باش بعد از اینکه دیدش این گفتگوها رو داشته باش اینا لازم یا لازم نیست بچه‌های ما که الان ۸ سالشونه ۹ سالشونه همون مقدار که والدین‌شان در محض اخبار و با همون تنوع باید مواجه باشند یا نه اینها بعضی اخبار برای‌شان مناسب هست بعضی مناسب نیست مثلاً قائله‌ای که سر جریان شیراز بوجود آمده است اون برنامه کودک و آقای گزارشگر این صحبت‌ها یه جاش بزنه بیرون چرا چون جامعه رسانه خودمان بعضاً با اون تربیت رسانه‌ای فاصله دارد نمی‌داند چجوری باید خروجی کدوم سیستم باید بفرسته مثلاً گوشه ذهن ما یک چراغی همیشه پررنگ هست آقا خوب همه خریدن برا بچه‌هاشان جواب این به یک تربیت رسانه‌ای چیه هرکسی اختیار خانواده خودش را داره شاید همه نخواد بچه‌شان را تربیت کنن قدیمی‌ها یه جمله‌ای داشتن که همه اینکار را می‌کنند که با هر دو قشر بنده با واسطه و بی‌واسطه بعضاً داشتن با اغتشاشگر داری دغدغه‌مند داری صحبت میکنی در کف میدان غیر معقول دارن با هم مواجه میشن تأسف بار و به ما منتقل کردن که در لحظه‌ای که هیجانی میشین و عقل ما چه اغتشاشگر باشین طرح واره‌های بازی‌های خشن در ذهن ما فعال است نقل ما شب‌ها من باب تامین امنیت شهر فعالیت‌هایی دارن خودشان به من گفتن ، که ده سال بازی می‌کرد لذا گاهی اوقات یادم میره هم سن و سال من هم وطن من که ممکنه این نارسائی باهاش درگیر می‌شویم که یادم میره که متعادل باشه از اونور هم این که در کف خیابان این اغتشاش گران را می‌بینم چون از ده سال پیش بذرها پاشیده شد در کل جامعه مذهبی و غیرمذهبی حزب الهی و ضد انقلاب دارم عرض می‌کنم چرا چون ساده گرفتیم لذا از الان من دارم دقت می‌کنم که فرزند من در چه اتمفسری داره رشد میکنه نکته بعدی که باید بهش دقت بکنم اینه چه چیزی این اتفاق را رقم زد؟ وضع موجود استفاده بچه‌های ما غالباً از عرصه رسانه است بچه‌های ما دارن در هر سه سطح عرصه رساند مواجه می‌شوند یعنی اینکه خانواده اشراف تربیتی این حوزه را ندارد توان تنظیم‌گری ندارد چون نه دانشش را دارد نه نگرش پیدا کرده نه میلی به این کار دارد لزوماً اگر داشته



باشه نه رفتار میکنه و جالب اینه نهاد تربیتی مدرسه هم لزوماً آموزشی به فرزند ما نمیدهند چند تا مدرسه در کشور داریم که به بچه‌های دبستان تربیت رسانه‌ای آموزش بدهند کدوم یکی از بابا مامان‌ها هستن که دغدغه‌اش این باشه در کنار علوم و جغرافیا و فارسی و دینی این‌ها را هم به بچه‌های من یاد بدهند یاد بگیرد و حتی در فضای مدرسه بیاد عرصه رسانه را حتی همون بازی‌ها را با درس‌ها ترکیب بکنه میتونه با علوم ترکیب بشه می‌تواند با فارسی ترکیب بشه نتیجه‌اش این میشه وقتی نهاد تربیتی مدرسه اومد عرصه رسانه را ترکیب کرد با اون فضای هویتی فرزند من بچه من یاد می‌گیرد استفاده رشد محور و مهارت افزا را در عرصه رسانه حالا یک بازی بهش میدم که فقط بکش بکشه بعد از اینکه اون یاد گرفت بعد اینکه شاکله شکل گرفت عکس العمل اون بچه چیه حالا تو مدرسه باهاش کار کردن تجربه بازی مهارت افزا را دارد تو درس ریاضی پلوکی داده معلم بهش بحث مختصات بحث جدول ضرب که وقتی مامان موبایل میگیره یک بازی موبایلی میاد بالا که چیه آموزش داده که ضربش تقویت بشه یا علوم همینجور یا فارسیش هم همینجور بچه ما دو سال سه سال عادت کرد تو این اتمسفر مواجهش با عرصه رسانه یک مواجهه ی مهارت افزا بود حالا این بچه وقتی یک بازی بکش بکش بهش میگی عکس العملش چیه نمیخوام نمی‌بینم چرا اولین سوالش از مامان باباش اینه برا من چی داری به شرطی که ذائقه‌اش تو بازی‌های هیجانی لطمه نخورده باشه ببینید ما یک فرض بدی تعریف می‌کنیم می‌گیم هیجان داشته باشند چرا بچه من دچار زوال دوران کودکی شده در زندگی این دسته گل ما که الان اینجا هست یا آقا پسرای ما در روز چند بار این‌ها زن، زن کنند با همدیگه کلا روال عادی زندگی‌شان هیچ بار چند بار باید خیلی بترسن هیچ بار چند بار باید آدم بکشند یا کشته بشن هیچ بار خوب چرا من باید در عرصه زیست سرگرم آموزش باید آنقدر تجربه این اتفاق را باید زمینه‌سازی بکنم چه دلیلی داره این آقای پست مند نزدیک چهل سال پیش تو کتاب‌اش نوشت زوال دوران کودکی چرا چون دغدغه‌اش در واقع تربیت نیست بچه‌های ما دارن با مفاهیم خشونت بار که مثلاً باید بیست سالگی، سی سالگی مواجه بشه یا نشه در دوران ده، دوازده سالگی مواجه بشه، نشه دلیل‌اش چیه این حجم از هیجان دلیل‌اش چیه این حجم از وهم متورم و خیال متورم چه دلیلی داره نسل هپروتی تربیت بکنید همینجوری بچه‌ها قدرت خیال‌شان خیلی جدیه توی عوالم دیگه چه دلیلی داره با چه حجتی شرعی و تربیتی بچه را از عالم رئال دارن خارج می‌کنن یه مشت از عالم وهن می‌نشینند وهنی که هیچ ارتباطی حقیقی با زندگی واقعی نداره لذا از همینجا شما میتوانید چند تا گذاره برداشت بکنید بازی در سازمان زندگی فرزند من که نوشت تیک میخوره یک ارتباط عمیق جدی داشته باشه با دنیای واقعیش فلان بازی خلاقیت و افزایش میده الان بروز خلاقیت‌اش کجا باید انجام بشه در ضمن بچه‌های ما صرفاً سرگرمی‌ام نیاز دارن اما هرچقدر این سرگرمی به سمت سرگرم آموزشی بره لذا نهاد تربیتی مدرسه من فعالیت‌های مدرسه من باید اون سوی تربیتی در اتصال رسانه‌ای داشته باشند تا این اتفاق افتاده یعنی در عرض خانواده این اتفاق افتاده در عرض فرهنگی عمومی جامعه



این اتفاق افتاده که مادر از همین مدارس مذهبی برای فرزندم کنسول بازی خریدیم که ۸ سالش بود پایه دوم دبستان ایشان خود مادر به من گفت بدون واسطه گفت اشانتیون من میخوام جامعه را حذف کنم یعنی به عنوان نمونه جایزه اون کنسول چند میلیونی که من خریدم به فرزند ۸ ساله من بازی جی تی ای ۴ اون موقع بود هدیه می داد بازی ۴ GTR که در ایالات متحده آمریکا مثبت ۱۷ یا ۱۸ سال اگر کسی خرید و فروش برای کسی زیر این سن باشه پلیس اف بی ای دستگیر میکنه آن را اقامه دعوا میکنه همون بازی که تقریباً متوسط بازیش در کشور ما حدود دوازده تا سیزده سال هست خب این یعنی چی؟ یعنی جامعه فاقد شعور تربیت رسانه ای است نتیجه اش چی میشه این جمله را دقت بفرمایید به وجود آمدن محیط های رقیب تربیتی مدرسه از اونور داره زحمت میکشه بچه ها میرن خونه برمی گردند می بینید مهندس آن سمت شده یعنی همه تنظیماتی که دیروز انجام شده تو مدرسه با دعا نمازخانه و بازی و آموزش این حرف ها چی شد برگشت داده شد کلی کار تربیتی تو مدرسه کردیم که چون محیط رقیب تربیتی را می کنیم چرا چون حیاط خلوت رسانه ای شکل گرفته این واژه را بخاطر بسپارید چه کلید واژه ای حیاط خلوت رسانه ای قبلاً که شما و ما در واقع کودک بودیم نوجوان بودیم خصوصاً شماها اگر تو خونه کاری نمی کردی فعالیت نمی کردی ماماها به شماها می گفتن چی باید مثل کی باشین یه دختر کارتونی که کار می کرد حنا، کوزت پاشو کار کن دختر پس فردا میخوای بری خونه بخت بعد شوهرت به ما نفرین می کنه زنت هیچی یاد نگرفته چی می شد به شما می گفتن مثل کوزت باید کار کنی مثل حنا یا مثل اوشین تربیت رسانه ای نبود به این معنا که آنها با ما داشتن می دیدن کارتون را با ما ادبیات مشترک داشتن ما گاهی اوقات خیال می کنیم این تلفن های همراه یک وسیله است فقط یک ابزار اصلاً و ابداً این درگاه یک دنیای دیگری است من از اینجا میرم در یک عالم دیگر یک اقلیم دیگر با پوشش گیاهی متفاوت دمای متفاوت یک چیز دیگه است یک سری ارتباطات دیگر اگر من با فرزند خود همراه نباشم این دنیا را تنظیم نکرده باشم سه، چهار سال پنج سال که بگذرد می بینم دیگه حرف فرزندم را نمی فهمم اون هم نمی فهمه حرف مرا اصلاً عالم او را درک نمی کنم واقعاً هم میگه شماها اصلاً منو درک نمی کنید واقعاً میگه ما نمی توانیم درکش بکنیم تو اتاق نشسته پیش منه اما اون طرف دنیا است ولی نیست حیاط خلوت رسانه ای به ذهنم میسپارم این را انیمیشن میخواد دیده بشه عزیزم انیمیشن را با هم می بینیم گلم یه بازی میشه نصب بکنم بابا میگه رده بندی سنیشم ببینم توضیحاتش رو بخوانیم بعد یه دست شما بازی کن یه دست من یک دفعه هم با همدیگه اگه دو نفری میشه تو پلی استیر بازی بکنیم نبض تربیت فرزند تو رسانه باید زیر دست پدر و مادر حس شود من اگه از شما پرسم ببخشید بچه تان کدوم مدرسه است نمی دانم بگم کدوم پایه است شما بگین نمی دانم معلم شان نمی دانم دوست اش کیه نمی دانم چی بهش یاد میدن نمی دانم این پدر و مادر جانی تربیتیه ازتون می پرسن، ببخشید بچه تان چه انیمیشنی می بینه نمی دانم چه بازی نمی دانم چه مفاهیمی در آن هست نمی دانم رده بندی سنی اش اطلاع ندارم تا حالا بازی کردی نه بچه ها در عرصه انیمیشن و



بازی دارن تربیت می شوند در این فضای رسانه حواسمان باشد نهادهای تربیتی، خانواده پدر و مادر باید هر دو تاشان به اون تراز تربیتی برسند خود بچه باید به اون تراز تربیتی برسه معلمین مدرسه به این ادبیات واقف باشند نه تنها واقف باشن بلکه در شیوه های آموزشی شان استفاده بکنند نتیجه این نگاه می شود وساطت تعدیل کننده یعنی چه چیزهایی نه چه زمانی نه این خانواده و این مدرسه باید نقش داشته باشند چه محتوایی نه فقط همین تربیت نه فقط یک بخش هم داره چه فیلمی داره چه زمانی داره چه دستگاهی داره چه نرم افزاری داره کدام پدر مادر می توانند وساطت بکنند؟ پدر و مادرهایی که هم رسانه را در سه سطح تا حد مقدورش می شناسد هم رشد و تربیت را می شناسد هم آثار اون مصرف رسانه ای را و ابعاد تربیتی می شناسد ببیند چقدر کار داریم اگر می خواهیم نسل تربیت بشه اگر نه علف میخواد تربیت بشه که هست زیاده پدر مادر آسوده و رها هم زیاده نتیجه این نگاه این کلید واژه می شود بخاطر خواهید سپرد حافظه مشترک رسانه ای یعنی اتمسفر بچه را میفهمند درک می کنند با همدیگه گفتگویی داریم با هم دیگه رفت و برگشت کلامی داریم می بیند کتابی که می خواند نه اینکه مثل عقاب بالا سرش باشم ببین چه بازی داری می کنی مگه نگفته بودم اینجوری این حرف را زنی مرجعیت والدین به گونه ای در خانواده تربیت شده است تعریف شده است هنجار سازی شده است که فرزند ما قبل از نصب نرم افزار بازی قبل از داندلود انیمیشن و محتوا با مامان یا بابا مشورت کند یاد بگیره اصلاً بهش نمیگیم کنترل بهش میگیم مشورت بابا حتماً پاس بده به مامان، مامان پاس بده به بابا یک مشورتی بکنید انشالله بابا اومد با همدیگه پخش می کنیم می بینیم که اگر جایی هم نیاز به سوهان کاری بود یا فی المجلس یا بعدش این سوهان کاریه انجام بشود فلان محتوا فلان تصویر شخصیت فلان دیالوگ تا برسیم به این حافظه موشک رسانه ای نکته مهمش این است که مسئول همه این کارها خانواده است حواستون باشه مسئول همه ی این ها پدر و مادر هست مدرسه اگر کاری کرد دستش درد نکنه اما اگر مدرسه کاری نکرد وظیفه منه شما وقتی فرزندتان را ثبت نام کردید حتماً نگفتید آقای فلانی بچه ما خدمت شما آخر سال میخوام بوعلی سینا سید رضی و سید مرتضی تحویل بگیرم نخیر وظیفه، وظیفه شماست بخشی از اون وظایف تان را به مدرسه و کالت دادید اگر انجام داد، داد نداد باز یقه شما را در قیامت میگیرند آقا اصلاً نکرد میریم مدرسه میگیم چرا نکردی نشد مثلاً در توانش نیست حواس مان باشه این بحث تربیت رسانه ای بعد غیر قابل تفویض می باشد نمی توانم از مسئولیت خودم خارج بکنم هر موقع مدرسه لطف کردن بنده و سایر همکاران را دعوت کردن و وقت گذاشتن تا این حدش مدرسه زحمت کشیده دست شان درد نکنه نکته بعدی باید دقت داشته باشیم عرض ما اولین پدر و مادرها هستیم که با این پدیده ها داریم مواجه می شویم به این معنا که نسخه های مامان بزرگ ها را لزوماً نمی توانیم همش رو پیاده سازی کنیم بعضی از نسخه هاشان چرا نسخه ارتباطی مامانامون با خودمون چرا وقت میذاشتن باباهامون حواس مان باشه بارها بچه های طفل معصوم با این صحنه مواجه میشن که مامان داره کار واجب انجام میده با گوشیش بعد مامان بزرگوار کار فرهنگی حوزه و دانشگاه سیاست و افسر



جنگ نرم تیمسار جنگ از این حرف‌ها بعد با این صحنه مواجه میشه چی مگه نمی‌بینی کار واجب دارم یه دقیقه صبر کن این ارتباط اینجا پاره شده از بین رفته بعضی وقت‌ها بچه‌ها آرزو می‌کنند کاش ما گوشی بودیم دست مامان تا ما را نگاه می‌کرد به شارژ میزد هوای ما را داشت مثلاً تا سرو صدا می‌کرد زود می‌رفت بر میداشت بدونید ما اولین نفرها هستیم و باید این مسیر باید با همدیگه پیش بریم میخوام به تربیت رسانه‌ای برسیم چیکار کنم هدفش دو تا چیزه تربیت رسانه انتخاب آگاهانه درست انتخاب کن و درست مصرف کن کاربری مسئولانه این دو تا اتفاق ناظر به رشد چهار تا مرحله داره این دیگه نقشه هست کف دست‌مان هست حالا اینو باید توسعه بدهیم دوره‌ای طراحی شده توضیحاتش رو عرض می‌کنم اولین گام تربیت رسانه‌ای اسمش رو گذاشتیم آگاهی عمیق نسبت به سه تا چیز ۱- مسیر رشد و تربیت که توضیحات مفصلی داره طبق تربیت شش ساحت ۲- شناخت عمیق سه سطحی رسانه که عرض کردیم سخت افزار، پلتفرم و محتوا ۳- آثار این محتواها نرم افزارها سخت افزارها می‌شود آگاهی عمیق گام دوم اصطلاحاً ما بهش میگیم خیرگزینی فهمیدن که آثارش چیه و چجوریه باید با موجین انتخاب کنم ناظر اون امور تربیتی باشم همونجوری که شما هر چیزی رو سر سفره غذای فرزندتان نمی‌گذارید و دقت نظر دارید روی تصلیح مزاج غذايش و تغذیه‌هايش هر چیزی را هم وارد سبد مصرف ذهنی و گرایشی نمی‌کنید و دقت نظر دارید میشه غیرگزینی ناظر به این نکته لذا از همین منظر اتفاقاً شما به این نتیجه رسیدم آقا من بین تلفن همراه هم بین تبلت بین لپ تاپ اگر بخوام یکی رو تو لایه سخت افزار برای فرزندم انتخاب کنم که بیشترین رشد و کمترین آسیب داشته باشه کدام انتخاب میکنم لپ تاپ انتخاب می‌کنم چرا چون دیرتر شخصی میشه چون اشراف پذیره چون افراد مختلف می‌توانند وارد شوند برن کارای مختلف تعریف بکنند شخصی‌شان نشه چی شد شما ناظر به شناخت عمیق از تربیت درست انتخاب کردید میخوام نرم افزار انتخاب کنم بچه‌ام در آن فعال بشه میخوام فیلمی موسیقی شعری کتابی داستانی انیمیشنی هر چی با همین نگاه خیرگزینی تا اینجا کار لایه داشتن انتخاب آگاهانه است ما باید چیکار بکنیم حالا تو کاربریم دو تا چیز بدانیم سومین اصل ما تو آموزش ببینیم هم ما هم فرزندان ما اصطلاحاً ما بهش میگیم ورزیدگی فناورانه من دارم فیلم میبینم الان یا انیمیشن دارم میبینم مواجه نقادانه با این محتوا را آموزش دیده باشم که ما چهار گام تحلیل با بچه‌ها در مدرسه تمرین می‌کنیم در دبستان متوسطه و بالاتر به والدین هم آموزش می‌دهیم من وقتی دارم مثلاً بازی کامپیوتری فرزندم داره انجام میده از این کانالم گذاشته یعنی بازی کامپیوتری اثرگذار تربیتی انجام داره میده زمانش چقدر باشه مدل نشستن بچه من پشت دستگاه برای بازی کردن باید چقدر باشه وقتی گوشی داره دستش میگیره گردنش چقدر خم شه چه مدت استفاده بشود میشه ورزیدگی فناورانه یعنی در اون لحظه دقت نظر داشته باشم این محتوا خوبه دلیل نمیشه که من بیست و چهار ساعت سعی داشته باشم مادری که در طول روز هشت ساعت سیمای قرآن تو خونه روشنه سیمای قرآن خیلی خوبه هشت ساعت چرا بقیه چه گناهی کردن همش باید قرآن گوش بدن ورزیدگی



فناورانه میگه چه مکانی چه وسیله‌ای چجوری چه مقدار در چه ساعتی از شبانه روز من آیا ده دقیقه بخوابم می‌توانم با تلفن همراه کنسول بازی با تبلت همراه باشم یا نه عوارضی دارد و گام چهارم این میشود تو تربیت رسانه‌ای می‌شد مصلحات تربیتی یعنی من دارم از محتوا از درگاه رسانه‌ای استفاده می‌کنم به هر جهت در خوش بینانه‌ترین حالت عوارضی دارد ماست خوبه یا بده خوبه کلسیم داره پروتئین‌هایی داخل داره طبعش چیه سرد چی باهاش می‌خوریم نعنای می‌خوریم باهاش چرا برای اینکه طبعش متعادل شه ماهی پلو می‌خورین سرده کسی با ماهی پلو دوغ نمی‌خوره سیستم‌اش بریزه بهم از زیره استفاده میکنه یا خرما استفاده میکنه بغلش مصلح تربیتی من بچه‌ام نیم ساعت بازی کامپیوتری خیلی خوبی انجام داده تو این نیم ساعت بالاخره اون بازی سطحی از هیجانات را در من ایجاد کرده یعنی گلوکز ده برابر ایجاد شده هورمون‌های نشاط ایجاد شده من آماده تحرک بدن‌ام چقدر از این‌ها تو بازی کامپیوتری سوزوندم و مصرف کردم خیلی کم نتیجه‌اش اینکه از بازی خیلی خوبی که شما می‌خواهید من بلند بشم میل به مرض ریختن دارم به آبجی مامانم به خونه پیر پیر بکنم چرا طبیعت این بازیه مصلح تربیتی ایجاد میکنه چیکارش کنم اگر دارم بازی می‌کنم مصلح تربیتی می‌خواد بچه من نیم ساعت بازی انیمیشن خیلی خوب دید مغز فرزند من تصویری شده است یعنی جذابیت پرتاب تشعشعات و نورها برای فضای مغزی یک کششی ایجاد کرده است خب من می‌خوام مغز را از لحاظ تصویری متعادلش بکنم متن محورش هم بکنم تو اون نیم ساعتی که داشت فیلم می‌دید بازی می‌کرد با مامانش صحبت می‌کرد پس کانال عاطفیش با من قطع بود مصلح تربیتی میگه بعد از نیم ساعت بعد از چهل دقیقه چیکار کنه بیاد با هم صحبت کنیم گفتگو با هم انجام بدیم این میشه مصلح تربیتی لذا این چهار گام کسی بخواد طی بکنه به اون تربیت تراز به فضل الهی نزدیک‌تر خواهد شد و برای تحقق این مسیر چاره‌ای نداریم جز این سه تا با همدیگه فعال شن یعنی پدر مادر باید آموزش ببینن و بچه‌ها آموزش ببینن از دبستان ما شرمنده هستیم که در ایالات متحده از سوم دبستان با بچه‌ها تربیت رسانه‌ای کار میکنن سواد رسانه‌ای کار میکنن این نگاه عمیق ما را ندارند خدا بر ما منت نهاد امسال در پنج تا مدرسه در تهران ما تربیت رسانه دخترانه و پسرانه از دوم دبستان زیر پوشش بود آموزش دیدند دارن کار می‌کنند که حالا بچه‌ها رفتن دبیرستان اون موقع دغدغه نداشته باشن مشکل متاسفانه اینه که وقتی سر و صداش زد بیرون تازه به فکرش می‌افتیم این جوان کف خیابان داره کارای غیرمتعارف انجام میده هشت سال که داره شکل می‌گیرد که الان بروز پیدا کرده اگر قراره هشت سال بعد باز کف خیابان این اتفاق نیفته از الان باید تغییرات ایجاد بشه حواس مان باید باشه و فضای مدرسه و مربیان بزرگوار هم حتماً باید این تربیت متوازن و متقارن را پیدا کرده باشند.

پایان مبحث